

نقش دهیاری در توسعه پایدار روستایی (مطالعه موردی: دهستان رامند

جنوبی، شهرستان بوئین زهرا)

پگاه مریدسادات^۱

استادیار گروه جغرافیای انسانی و آمایش، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

مژگان جهان بین

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای انسانی و آمایش، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران،

ایران

شکوفه معمل وند

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای انسانی و آمایش، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران،

ایران

مهدی قموشی رامندی

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۱۶

چکیده

مدیریت روستایی مبتنی بر تمرکززدایی و مشارکت جامعه محلی، از ضروریات دستیابی به اهداف توسعه پایدار روستایی است. از دو دهه پیش با تاسیس نهاد دهیاری به عنوان بازوی اجرایی شوراهای اسلامی روستایی و انتخاب دهیار از بین مردم محلی، الگوی جدید مدیریت مشارکتی روستایی در ایران شکل گرفت. ارزیابی عملکرد این نهاد برای تعیین اثربخشی آنها در توسعه پایدار روستایی برای افزایش رضایت مردم و تعیین شکاف تا وضعیت مطلوب اهمیت بسیاری دارد. بنابراین هدف مقاله حاضر بر پایه ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها در توسعه پایدار روستاهای دهستان رامند جنوبی در شهرستان بوئین زهرا استوار گردید. این تحقیق پیمایشی، با روش توصیفی-تحلیلی و ابزار آن پرسشنامه است. جامعه آماری پژوهش، جمعیت ساکن در ۸ روستای دارای بیش از سه خانوار و دهیاری، در دهستان رامند جنوبی (۳۴۴۲ نفر) هستند. با استفاده از فرمول کوکران ۳۵۰ نفر به عنوان نمونه تعیین و به شیوه انتساب متناسب و به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند. برای توصیف داده‌ها از آماره‌های میانگین و انحراف معیار استفاده شد. تحلیل داده‌ها با آزمونهای کولموگروف اسمیرنوف، دو جمله‌ای، کروسگال والیس و تکنیک درونیایی IDW در نرم افزارهای SPSS و GIS انجام شد. مطابق یافته‌ها عملکرد دهیاری در توسعه پایدار روستاهای مورد مطالعه نامطلوب و کمتر از حد متوسط بوده است. همچنین بهترین و بدترین عملکرد دهیاری به ترتیب در ابعاد محیط زیستی و اقتصادی بوده است.

^۱. نویسنده مسئول: p_moridsadat@sbu.ac.ir

کلیدواژگان: دهیاری، توسعه پایدار روستایی، رامنند جنوبی، بوئین زهرا.

مقدمه

مفهوم توسعه در فرآیند زمانی همواره به سوی عمیق‌تر شدن، جامع شدن، چند بعدی نگری، در برگرفتن شرایط و عوامل ساختاری، مردمی‌تر شدن و حرکت از نگرش سخت افزاری و کمی‌گرایانه به جنبه‌های نرم افزاری، انسان‌گرایانه و کیفی توسعه حرکت کرده است. در نتیجه امروزه توسعه پایدار به عنوان نظریه غالب توسعه، مورد پذیرش سازمانهای بین‌المللی و کشورها است. توسعه روستایی نیز به عنوان یک فرع بر توسعه، از این تحولات تاثیر پذیرفته و توسعه پایدار روستایی را به عنوان مفهومی چند بعدی، کل‌گرا و جامع‌نگر متشکل از ابعاد اقتصادی، اجتماعی، نهادی و محیط زیستی را مورد تاکید برنامه‌ریزان قرار داده است (اکبر پور سراسکانرود و نجفی، ۱۳۸۹؛ مطیعی لنگرودی و شمسایی، ۱۳۸۸؛ افتخاری و همکاران، ۱۳۸۶). در فرایند اندیشه و عمل توسعه پایدار روستایی و جایگزین کردن سبک‌های نوین زندگی در برابر ایده‌ها و روشهای سنتی، مدیریت به عنوان عامل ضروری برای تدبیر و اداره منابع اجتماعی- فرهنگی، اکولوژیکی و اقتصادی روستا (Wenchang, 2008) و به عبارتی فرایند هماهنگ سازی منابع انسانی و مادی در جهت تحقق اهداف مطرح می‌باشد (دربان آستانه و رضوانی، ۱۳۹۳: ۳). مفهوم مدیریت روستایی، از زمانی که فرایندهای سیستماتیک ساختاری در مناطق روستایی حاکم شد، به عنوان راهبردی جهت توسعه روستایی، جایگاه ویژه‌ای در برنامه‌ریزی‌های روستایی یافت. اما توسعه پایدار روستاها جز از طریق اعمال مدیریت شایسته و کارآمد و مبتنی بر مشارکت مردم محلی در تصمیم‌گیری و اقدامات توسعه‌ای امکان پذیر نخواهد بود (امینی و جمینی، ۱۳۹۳: ۱۷۸). مدیریت و برنامه‌ریزی مشارکتی و غیر متمرکز مسیر مردم سالاری را هموار می‌نماید. به اعتقاد طرفداران اندیشه‌های مشارکتی، کشورهایی با سیاستگذاری و توسعه پایین به بالا، که در قالب آن جامعه محلی در تصمیم‌گیریها مشارکت فعال داشته باشد، در تحقق اهدافشان موفق‌تر خواهند بود. با وجود این کشورهای در حال توسعه، در تصمیم‌گیری و سیاستگذاریهای خود معمولاً از روشهای غیر مشارکتی استفاده می‌کنند و جوامع روستایی به دریافت کنندگان و اجرا کنندگان سیاستهای قدرت حاکم تنزل می‌یابند (Chirenje et al. 2013: 10). البته مدیریت مشارکتی به معنای نادیده انگاشتن نقش دولت در امر توسعه و مدیریت نیست بلکه در این چارچوب با همکاری و تعاون مدیریتی بین نهادهای دولت، بازار و مردم می‌توان به توسعه پایدار روستایی دست یافت (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۶: ۳).

مروری بر ساختار مدیریت روستایی در ایران حاکی از آن است که تا پیش از انقلاب مشروطیت، مدیریت توسعه روستایی بیشتر درون‌زا و بومی و پس از آن وارد مرحله برون‌زا و دولت محور می‌شود (فعلی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۴). بطوریکه در پی اصلاحات ارضی نوعی مدیریت تک بعدی و ناهماهنگ در کشور شکل گرفت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز گرچه سبک و شیوه مدیریتی روستاها از لحاظ اندیشه‌ای دستخوش تغییراتی شد ولی به لحاظ ساختاری، در نحوه اداره روستاها دگرگونی چندانی رخ نداد و همچنان اداره امور روستاها در دست دولت بود و مردم مشارکت مشهودی نداشتند. بر این مبنا فقدان ساختاری مناسب برای مدیریت توسعه روستایی کشور مبتنی بر رویکردی کل‌گرا و هماهنگ (فعلی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۴)، نامشخص بودن مکانیسم برنامه‌ریزی، ناآگاهی و بی‌توجهی مدیریت متمرکز دولتی به ویژگی‌ها و نیازهای واقعی جامعه روستایی (رکن الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۸۶: ۴؛ بدری، ۱۳۹۰: ۱۵۹)، تعداد کم تشکلهای محلی، عضویت اندک روستاییان در این نهادها و در نتیجه مشارکت پایین جوامع محلی در مدیریت روستا (بدری، ۱۳۹۰: ۱۵۹) و کمبود طرحهای توانمندسازی و ظرفیت‌سازی باعث از بین رفتن مدیریت سنتی، بدون جایگزینی مدیریت جدید و در نتیجه وابستگی شدید به تصمیمات و اقدامات دولت مرکزی گردید. این امر سبب شد تا علی‌رغم گسیل بسیاری از امکانات و خدمات توسعه‌ای به روستاها، همچنان مشکلات متعددی گریبانگیر آنها باشد و طرحهای توسعه‌ای نیز با استقبال روستاییان روبرو نباشد. درک این مسائل موجب تغییر

نگرش برنامه‌ریزان به سوی توسعه، مدیریت و برنامه ریزی مشارکتی شد. استفاده از نیروهای مردمی در فرایند تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی روستایی در قالب انتخاب شوراهای اسلامی روستا و دهیاران به عنوان بازوی اجرایی شوراهای اسلامی روستا، محصول این تغییر نگرش، در راستای مدیریت مشارکتی توسعه روستاهای ایران بوده است (فیروز نیا و رکن الدین افتخاری، ۱۳۸۲؛ بدری، ۱۳۹۰؛ بدری و همکاران، ۱۳۹۲؛ امینی و جمینی، ۱۳۹۳). بر این اساس مطابق قانون تأسیس دهیاری‌های خودکفا و مردمی که در سال ۱۳۷۷ به تصویب مجلس پنجم شورای اسلامی رسید، به وزارت کشور اجازه داده شده تا به منظور اداره امور روستاها، با توجه به موقعیت محل و با درخواست اهالی، نهادی به نام دهیاری را تأسیس کند. این نهاد مسئول اجرایی کردن طرحهای توسعه روستا با مشارکت مردم و سایر دستگاههای اجرایی مرتبط است (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۰۰). در ماده ۱۰ اساسنامه دهیاری‌ها، مصوب ۱۱/۲۱/۱۳۸۰، وظایف تفصیلی دهیار و دهیاری جهت اداره و حفظ توسعه پایدار روستا در قالب ۴۷ بند، در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و محیطی ارائه شده اند (تارنمای مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۶). لذا اثر بخشی این نهاد، در گرو انجام این وظایف و نقش آفرینی دهیاری‌ها در تسهیل و تسریع توسعه پایدار روستاهای تحت مدیریت آنهاست.

بنابراین ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها در راستای تحقق اهداف توسعه پایدار روستایی، به عنوان یکی از مهمترین مراحل برنامه ریزی و تامین کننده بازخورد لازم برای اصلاح و بهبود برنامه‌ها امری ضروری است. در واقع دهیاری‌ها برای انجام دادن رسالتشان نیازمند ارزیابی و اطمینان از روند برنامه‌های مدیریتی خود و به تبع آن پاسخگویی و کسب رضایت مطلوب روستائیان هستند. در این راستا مشارکت دادن روستائیان به عنوان مخاطبان اصلی برنامه‌های توسعه روستایی، در ارزیابی عملکرد دهیاران، دیدگاهی روشن و واقع‌گرایانه در خصوص وضعیت پیشرفت و فاصله تا هدف، شناسایی نقاط قوت و ضعف، هدایت فرایند در مسیر درست، کاهش هزینه‌ها، ارتقا کارایی، اثربخشی و کارآمدی اقدامات را در اختیار برنامه ریزان و خود دهیاران قرار می‌دهد و زمینه توسعه مشارکت و ایفای نقش شهروندی و رضایتمندی جامعه را فراهم می‌سازد (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۲؛ دانشور عامری و همکاران، ۱۳۹۵).

متاثر از تغییرات عرصه مدیریت روستایی کشور، نهاد دهیاری به عنوان مدیریت محلی، طی دهه گذشته در روستاهای دهستان رامند جنوبی، واقع در شهرستان بوئین زهرا، تأسیس و در چارچوب وظایفشان در زمینه توسعه پایدار روستایی در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی از جمله بهبود زیرساختها، مدیریت مخاطرات، امنیت، محیط زیست روستا و ... اقداماتی به عمل آورده اند. علی‌رغم اهمیت ارزیابی و کنترل اقدامات دهیاری‌ها برای تعیین میزان اثربخشی آنها به ویژه مبتنی بر دیدگاه مخاطبان کلیدی یعنی روستائیان، تاکنون مطالعه‌ای در این دهستان بدین منظور صورت نپذیرفته است. از این رو این مساله که ساکنان روستایی در دهستان رامند جنوبی تا چه میزان عملکرد دهیارانشان را مطلوب ارزیابی می‌کنند و عمده موفقیت‌ها و کاستی‌های فعالیت ایشان را در چه زمینه‌ای می‌دانند، برای ارتقا عملکرد خود دهیاران و همچنین در سطح کلان تر، آگاهی نهادهای بالادستی حائز اهمیت است. در این راستا مقایسه تطبیقی ارزیابی عملکرد دهیاری از منظر خود دهیاران با سایر روستائیان از منظر مدیریت مشارکتی حائز اهمیت بسیار است. از آنجا که روستائیان مخاطبان اصلی برنامه‌های توسعه و اقدامات دهیاری‌ها هستند، نقش آفرینی ایشان به عنوان ارزیاب بیرونی عملکرد دهیاری بایستی در فرایند مدیریت محلی مورد توجه قرار گیرد. از سوی دیگر از جمله مسائلی که در مطالعات ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها مورد توجه قرار نگرفته، تفاوت عملکرد دهیاری‌ها به لحاظ وضعیت ساکن بودن در روستای محل خدمت ایشان است- که علی‌رغم ضروری بودن گاهی مورد اهمال قرار می‌گیرد- که لازم است مورد توجه قرار گیرد. بر این اساس هدف مقاله حاضر بر پایه ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها در توسعه پایدار روستایی در دهستان رامند جنوبی استوار گردید. در این راستا مقاله حاضر به دنبال پاسخ به این سوالات است (۱) عملکرد دهیاری در روستاهای مورد مطالعه تا چه میزان در توسعه پایدار روستایی و ابعاد آن نقش داشته است؟ (۲) این نقش آفرینی

در کدام یک از ابعاد اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی توسعه پایدار روستایی بیشتر بوده است؟ و (۳) آیا تفاوت معناداری بین عملکرد دهیارها در توسعه پایدار روستایی به لحاظ وضعیت سکونت دهیار و همچنین از منظر دهیاران با سایر روستاییان وجود دارد؟

مبانی نظری

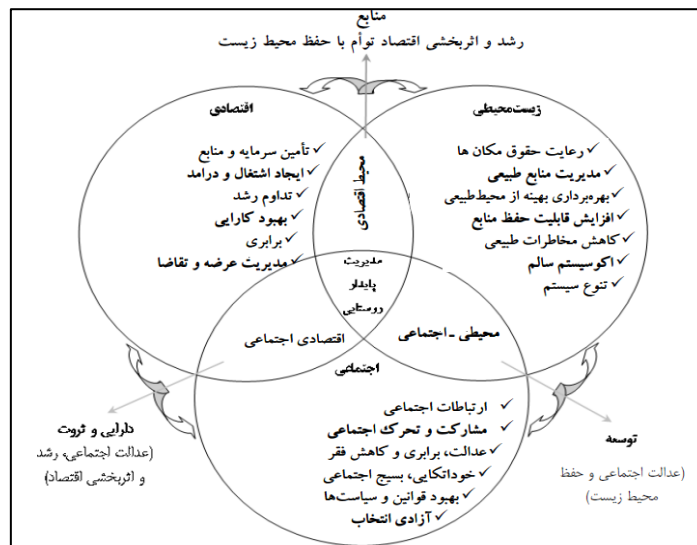
از دهه ۱۹۷۰، متأثر از انتقادات نظری و روشی علیه مکتب نوسازی، از سوی مکاتب وابستگی، تضاد، پست مدرنیسم، فمینیسم و ساختارگرایان اجتماعی از یکسو و همچنین طرح مباحث محیط گرایی و توسعه پایدار از سوی دیگر، پارادایم توسعه پایدار و در چارچوب آن توسعه پایدار روستایی شکل یافت که در آن بر سازوکار درونی، بومی و مردم محوری تاکید می شود (وثوقی و ایمانی، ۱۳۸۹: ۲۴). توسعه پایدار مفهومی چند بعدی، کل‌گرا، یکپارچه و اندام‌وار است (بدری و رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۸۲) و رفع نیازهای انسانی، تضمین عدالت اجتماعی و احترام به محدودیت‌های محیط زیستی ضروریات اخلاقی آن می باشند (Holden et al., 2017: 214). مبتنی بر رویکردی سیستمی، توسعه پایدار متشکل از چهار نظام مرتبط با هم شامل اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، طبیعی و سیاسی است که قطب‌نمای پایداری نامیده می شود. دستیابی به آینده ای پایدار نیازمند تغییرات اساسی در ارزشهای مردم و عملکرد جامعه است. این اصول و ارزشها در قالب چهار نظام فوق به ترتیب شامل توسعه شایسته (شغل، درآمد، تجارت، مالکیت و ...)، عدالت، صلح و حقوق بشر (زندگی جمعی، روابط اجتماعی، فرهنگ و سنتها، جنسیت، نژاد و ...)، حفاظت (منابع و زندگی، همه موجودات زنده، نظامهای حمایتی) و دموکراسی (سیاست، خط مشی، تصمیم‌گیری) می باشند (UNESCO, 2017). مبتنی بر دستور کار ۲۰۳۰، که در سپتامبر ۲۰۱۵ میلادی در مجمع عمومی سازمان ملل، توسط سران کشورها به تصویب رسید، در تداوم اندیشه و عمل توسعه پایدار، ۱۷ هدف کلی برای اقدام و تحقق تا سال ۲۰۳۰ تعیین گردید. این آرمانها شامل نبود فقر، نبود گرسنگی، سلامت و رفاه، آموزش با کیفیت، برابری جنسیتی، آب سالم و بهداشت، انرژی پاک، رشد اقتصادی و شغل شرافتمندانه، صنعت، نوآوری و زیرساخت، کاهش نابرابریها، جوامع و سکونتگاههای پایدار، الگوی مناسب تولید و مصرف، اقدام اقلیمی مناسب، حفاظت از منابع آبی، حفاظت از زمین، صلح، عدالت و نهادهای توانمند و در نهایت مشارکت برای دستیابی به اهداف می باشند (برنامه اسکان بشر ملل متحد در ایران، ۱۳۹۶). بنابراین اصلاح شیوه حکمروایی در سطوح بین‌المللی، ملی و محلی، از طریق تمرکز زدایی، ایجاد دولت محلی و مدیریت مشارکتی با دادن قدرت انتخاب، مشارکت و تصمیم‌گیری به مردم از ضروریات دستیابی به اهداف توسعه پایدار است (UNESCO, 2017).

مدیریت در معنای عام، فرایند به کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی بر مبنای نظام ارزشی پذیرفته شده است که از طریق برنامه‌ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل عملیات برای دستیابی به اهداف تعیین شده صورت می‌پذیرد و از منظری مشارکت محور از طریق انجام دادن کار با مشارکت دیگران و شرکت در تصمیم‌گیری صورت می‌پذیرد (دربان آستانه و رضوانی، ۱۳۹۳: ۳). گفتمان مشارکت جامعه محلی در فرایند توسعه، به عنوان عنصری کلیدی و ضروری، با ابتکارات پیش‌تازانه رابرت چمبرز و در انتقاد به کاستیهای توسعه روستایی متمرکز و از بالا به پایین در دهه ۱۹۷۰-۸۰ میلادی مطرح گردید. آمارتیاسن مشارکت را به عنوان اصل کلیدی توسعه انسانی و رهیافت‌های تواناسازی مورد تاکید قرار داده است (Yang, 2016: 3). در همین راستا دموکراتهای مشارکت‌گرا، مشارکت را به عنوان عامل حیاتی مردم‌سالاری عنوان می‌کنند. این مهم ریشه در عقیده روسو دارد. از منظر وی مشارکت هر شهروند در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، برای عملکرد دولت حیاتی است و بی‌توجهی به قدرت تصمیم‌گیری شهروندان عامل بیگانگی آنها از سیاست می‌باشد. نظریات جدید دموکراسی مشارکتی، پا را فراتر از مشارکت سیاسی صرف نهاده و مشارکت جوامع محلی در تصمیم‌گیریهای عمومی را مورد تاکید قرار داده‌اند. این چندکنشگری که از مصادیق حکمروایی است، کارکردهای مختلفی از جمله توانمندسازی و شنیده شدن صدای افراد محلی، ارتقا مهارت‌های شهروندی و صلاحیتهای مشارکت در تصمیم‌گیری‌های عمومی، افزایش حس تعلق افراد به جامعه و در نتیجه

مسئولیت-پذیری بیشتر آنها در قبال تصمیمات اتخاذ شده، سازگاری بیشتر با شرایط محلی، افزایش مشروعیت و شفافیت تصمیمات و حمایت از فرایند و برون‌دادها دارد (Koopmans et al. Michels and De Graaf, 2010: 479-481). بر این اساس رهیافتهای مشارکتی بر به رسمیت شناخته شدن افراد متأثر از مداخله‌گرهای توسعه، در تعیین چستی و چگونگی این تغییرات تأکید دارند و تحقق توسعه ای پایدار و بلند مدت را در گرو مسئله قدرت می دانند. در نتیجه ارزیابی ماهیت واقعی مشارکت جامعه در توسعه پایدار روستایی از طریق موضوع قدرت و فضای مرتبط با آن و با پاسخگویی به این سوالات که چه کسانی و در چه اموری مشارکت دارند، صورت می‌پذیرد (Yang, 2016: 4).

بر این مبنای توسعه پایدار روستایی فرایند تغییر، پیشرفت، تحول و انطباق با معیارهای عقلانیت، بهره‌وری، اصلاح ظرفیتها و ظرفیت سازی، بازتوانی و توانمندسازی، نهادسازی، مردم سالاری، مشارکت، وحدت ملی، استقلال ملی و سطح زندگی است، و فراهم آوردن تعادل و پایداری در تحولات ساختاری و کارکردی مکان و فضای روستایی است که برآیند آن عدالت اجتماعی مکانی در ابعاد سه گانه اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی را به همراه خواهد داشت (فیروز نیا و رکن الدین افتخاری، ۱۳۸۲: ۱۵۹؛ مطیعی لنگرودی و شمسایی، ۱۳۸۸). در این فرایند، بعد سیاسی، مرتبط با مسائل قدرت و حکمرانی، منابع، پاسخگویی، اولویت ها و انتخاب، از جنبه های محوری است. بدین منظور ایجاد یک نظام دولت محلی برای مدیریت اثربخش با مشارکت و بسیج مردم محلی در فرایند توسعه پایدار روستایی بسیار اهمیت دارد. این نظام مجموعه ای متشکل از موسسات، سازوکارها و فرایندهایی است که شهروندان را قادر به ابراز علایق، نیازها، رفع اختلافات و اعمال حقوق و تعهداتشان در سطح محلی می نماید. چنین نظامی نیازمند مشارکت نهادهای دولتی محلی، سازمان های جامعه مدنی و بخش خصوصی برای توسعه محلی و ارائه خدمات مشارکتی، شفاف، پاسخگو و عادلانه است (Darakis-Smith, 1995; Douglas, 2005: 231؛ فعلی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۳؛ افتخاری، ۱۳۸۹: ۱۸۸).

مبتنی بر این تحولات، در الگوی جدید مدیریت روستایی، رهیافت مشارکتی مورد تأکید قرار گرفته (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۶: ۹) و مدیریت پایدار روستایی به عنوان فرایندی همه جانبه برای سازماندهی و هدایت جامعه و محیط روستایی که مردم، دولت و نهادهای عمومی سه رکن اصلی آن را تشکیل می‌دهند، تعریف شده است (مطیعی لنگرودی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۱). این فرایند در سه بعد اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی مطرح بوده و هدف کلان آن حرکت برای رسیدن به وضع مطلوب با استفاده از توانهای بالقوه و بالفعل موجود در روستا، در راستای بهبود وضعیت جامعه و تحقق توسعه همه جانبه و پایدار روستایی است (پور رمضان و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۷؛ افتخاری و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۰) (شکل ۱).



شکل ۱. مدیریت روستایی با دیدگاه توسعه پایدار (رکن الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۳)

طی چندین دهه، الگوی مدیریتی متمرکز و از بالا به پایین در ایران حاکم بود و مشارکت روستاییان در برنامه های اجرایی در پایین ترین حد خود قرار داشت. در نتیجه برنامه های توسعه با مشکلاتی چون ضعف تطابق با نیازهای واقعی روستاییان و حمایت و مسئولیت پذیری جامعه محلی ربرو شد و لزوم اتخاذ رویکردهای نوین مدیریتی را آشکار نمود (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۶: ۹؛ نادری مهدئی، ۱۳۹۴: ۱۹۰). مدیریت روستایی در ایران، تا پیش از مشروطیت، پدیده ای پیچیده و یکپارچه در رابطه با ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و طبیعی روستا بود که تحت ریاست کلی مالک و نمایندگان وی که معمولاً از اهلی روستا بودند، (گاوبند، سربنه، کدخدا و ...) صورت می گرفت. پس از مشروطیت، طبق قانون ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام که در سال ۱۲۸۴ (ه.ش) به تصویب رسید، مدیریت روستا به عنوان یکی از سلسله مراتب حکومتی، به کدخدا واگذار شد. کدخدای منتخب باید مورد رضایت مالک و مردم روستا بود که البته به دلیل قدرت نداشتن مردم، نظر مالک اعمال می شد. ولی چون کدخدا از اهالی روستا بود معمولاً مخالفتی رخ نمی داد. بنابراین تا پیش از ظهور نشانه های دولت مدرن و تاسیس نهاد قانونگذاری در ایران، روابط و تحولات روستایی متأثر از قوانین عرفی و شرایط فرهنگی، دینی، سیاسی و اجتماعی و برپایه خواست مالک بود و عملاً اراده ای برای بهبود وضعیت روستاییان در حکومت مرکزی وجود نداشت. اولین قانون مرتبط با عمران روستایی در ایران در آبان ماه سال ۱۳۱۶ به تصویب مجلس رسید که در آن ضمن حفظ حقوق مالکین، منافع روستایی را بیشتر در نظر می گیرد و امکان مشارکت روستاییان در سطح پایین و اجرایی را نیز برای اولین بار فراهم می آورد. بروز جنگ جهانی دوم و وقایع شهریور ۱۳۲۰ موجب توقف این قوانین گردید. در دولت مصدق قانون بنگاه عمرانی کشور در سال ۱۳۳۴ به تصویب رسید که در آن یکپارچه کردن فعالیتهای دولت در سطح روستاها مورد توجه قرار گرفته بود. در سال ۱۳۲۵، با ایجاد سازمان برنامه و تهیه قانون برنامه اول عمرانی کشور، ایجاد صندوق تعاون روستایی تصویب گردید. انجام برنامه اصلاحات ارضی در دهه ۱۳۴۰، تحولات اساسی در مدیریت روستایی ایجاد نمود و موجب ورود دولت به جای مالک در مدیریت روستایی کشور، با هدف اجرای برنامه های سیاستهای جهانی، گردید. در این دوره عوامل مختلفی مانند شرکتهای تعاونی روستایی؛ سپاهیان دانش، بهداشت، ترویج و عدالت؛ و اداره کل امور اجتماعی و عمران دهات، تحت نظارت وزارتخانه های مختلف، بدون هماهنگی مناسب و بعضاً متداخل با یکدیگر، اقداماتی را در روستاها عهده دار شدند. در سال ۱۳۴۲، طی مرحله اول اصلاحات ارضی، با تصویب لایحه قانونی تشکیل انجمنهای ده و اصلاح امور اجتماعی، زمینه جایگزینی انجمنهای ده، تحت نظارت وزارت کشور، به جای مالکین حذف شده از روستاها فراهم آمد. در سال ۱۳۵۱، مدیریت روستایی به وزارت تعاون و امور روستایی محول گردید. این وزارتخانه پیش تویس قانون تشکیل انجمنهای ده و دهبانی را تهیه کرد که در سال ۱۳۵۴ تصویب و تا انقلاب اسلامی اجرا می گردید. پس از انقلاب اسلامی، نهادهای جدیدی مانند هیات های هفت نفره و جهاد سازندگی در امور روستاها مطرح گردیدند و برای رفع شکاف دولت و روستاییان، با همت جهاد سازندگی شوراهایی در روستاها تشکیل گردید که در سال ۱۳۶۱، به صورت رسمی مورد تصویب مجلس قرار گرفت و مدیریت روستایی به شوراهای اسلامی روستا محول گردید. در سال ۱۳۶۲، دهداری و دهدار در سطح دهستان به عنوان عامل دولت مطرح در مدیریت روستایی شدند (طالب، ۱۳۷۶). شوراهای اسلامی روستا، به مدت ۲۰ سال بدون بازوی اجرایی به فعالیت خود ادامه می دادند. با تصویب ماده واحده "قانون تاسیس دهیاریهای خودکفا در روستاهای کشور، در سال ۱۳۷۷، در چارچوب قوانین "تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران"، دهیاری به عنوان نهاد عمومی و غیر دولتی و بازوی اجرایی شوراهای اسلامی روستا برای اداره و تولیت امور مربوط به مدیریت روستا در نوک پیکان مدیریت نوین روستایی کشور قرار گرفت (بدری، ۱۳۹۰: ۱۵۵-۱۵۶).

به دنبال تصویب این قانون و واگذاری وظیفه انتخاب دهیار برای مدت ۴ سال به شورای اسلامی روستا، سند "اساسنامه، تشکیلات و سازمان دهیارها"، در تاریخ ۱۳۸۰/۱۱/۲۱ توسط هیات وزیران مصوب شد. در فصل دوم این اساسنامه، ذیل ماده

۱۰، وظایف تفصیلی دهیار و دهیاری جهت اداره و حفظ توسعه پایدار روستا، در ۴۷ بند تشریح می‌گردد. این وظایف در چارچوب توسعه پایدار و در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی می‌باشند. از این جمله می‌توان به "بهبود وضع زیست محیطی روستا؛ کمک به شورا در خصوص بررسی و شناخت کمبودها، نیازها و نارسایی‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و اموررفاهی روستا و تهیه طرح‌ها و پیشنهادهای اصلاحی و عملی در زمینه‌های یاد شده و ارایه آن به مسئولان ذی ربط جهت اطلاع و برنامه ریزی و اقدام لازم؛ فراهم نمودن زمینه ایجاد خیابان‌ها، کوچه‌ها، میدان‌ها، پارک‌ها، فضاهای سبز، ورزشی و آموزشی، مراکز تفریحی عمومی و مجاری آب و توسعه معابر و اجرای آن‌ها از طریق دهیاری و همکاری در زمینه طرح بهسازی روستا؛ مساعدت و همکاری با کشاورزان در جهت معرفی محصولات کشاورزی و تولیدات صنعتی و صنایع دستی روستا در مراکز شهری و نمایشگاه‌های ذی ربط؛ شناسایی زمینه‌های اشتغال و مساعدت در جهت تأمین کار برای افراد جویدی کار با همکاری دستگاه‌های ذی ربط و ... اشاره نمود (تارنمای مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۶).

اکنون قریب به دو دهه است که از فعالیت نهاد دهیاری در مدیریت روستایی کشور می‌گذرد. نظر به اهمیت این نهاد در مدیریت و توسعه پایدار روستایی، به ویژه با توجه به وظایف قانونی همه جانبه آن، ارزیابی عملکرد این نهاد ضروری است. در فرایند مدیریت و توسعه، پاسخگویی اجتماعی کارگزاران اجتناب‌ناپذیر است و دستاوردهای ارزشمندی چون اثربخشی نظام، بهبود کیفیت خدمات و منظور از آن، تأمین نیازها و انتظارات و جلب رضایت ذینفعان را به دنبال خواهد داشت. در نتیجه ارزیابی عملکرد دهیاران مبتنی بر مشارکت روستاییان، تبعات مثبتی مانند تعیین شکاف اقدامات توسعه‌ای روستا با وضع مطلوب، افزایش اعتماد عمومی مردم به دهیاری و مشروعیت بیشتر آن، ارتقا تعهد و مسئولیت‌پذیری مردم در امور توسعه‌ای و وظایف شهروندی خود (مانند پرداخت عوارض و مشارکت در برنامه‌های عمومی)، افزایش پاسخگویی به دهیاری، افزایش رضایت مردم از فعالیتهای دهیاری، زندگی در روستا و احساس تعلق و به صورتی هم افزا، ارتقا هرچه بیشتر اثربخشی دهیاری را به دنبال خواهد داشت و در نتیجه دوره گذار توسعه پایدار روستایی را ساده، سریع و کم هزینه تر می‌سازد (فیروز آبادی و ایمانی جاجرمی، ۱۳۹۱: ۶۳؛ دانشور عامری و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۹۴).

بر این مبنا اهمیت مشارکت جامعه محلی در فرایند مدیریت و تصمیم‌گیری در مطالعات مختلف خارجی و داخلی مورد تأکید است. همچنین نظر به این اهمیت، با توجه به جایگاه دهیاری به عنوان مصداق مدیریت محلی مشارکتی در ایران، مطالعات متعددی برای ارزیابی عملکرد دهیارها، مبتنی بر مشارکت مردم محلی، در مناطق مختلف کشور توسط محققان صورت پذیرفته است. در ادامه به مرور برخی از مطالعات خارجی و داخلی در این رابطه پرداخته شده است.

لوئیک-لیندسار و همکاران (۲۰۱۸)، در مطالعه‌ای به ارزیابی عملکرد مدیریت محلی در نواحی روستایی استونی به بررسی کارایی شهرداریهای روستایی (دهیارها)^۱ و عوامل موثر بر آنها پرداخته‌اند. در این راستا روستاها بر اساس جمعیت در ۵ دسته تقسیم شده و نمره کارایی آنها محاسبه شده است. نتایج حاصله بیانگر عملکردی در حد متوسط است. همچنین تفاوت معناداری بین دهیارهای روستاهای کوچکتر و بزرگتر وجود دارد و عملکرد در روستاهای بزرگتر بهتر و در روستاهای کوچک تقریباً ناکارآمد بوده است. همچنین سطح تحصیلات، حقوق و درآمد و بودجه تخصیصی با افزایش کارایی رابطه مثبت داشته است. یافته‌های مکمل (۲۰۱۵)، در رابطه با بررسی وضعیت خدمات رسانی دهیارها در آفریقای جنوبی، نشان داد که در مجموع سطح خدمات رسانی (آب، برق، بهداشت، امحا زباله) رضایت بخش نبوده و همچنین در توزیع خدمات عدالت مکانی وجود ندارد و در روستاهای بهره‌مندتر سطح اشتغال مردان افزایش و مهاجرت کاهش داشته است. همچنین خانوارهای زن سرپرست نسبت به خانوارهای مرد سرپرست دسترسی کمتری به خدمات اساسی داشته‌اند.

مورس و کوچوت (۲۰۱۴) در ارزیابی عملکرد دولت محلی در روستاهای لهستان، شاخصهای مهاجرت خالص، تولید درآمد محلی و تغییر در نرخ بیکاری محلی را در دو بخش شرقی و غربی و دو دوره زمانی مورد بررسی قرار دادند و دریافتند که تغییر رویکرد به سمت تمرکززدایی و ایجاد دولت محلی مشارکتی همیشه با بهبود وضعیت همراه نبوده و عوامل مکانی پیشین (زیرساختها، وضعیت اقتصادی) و زمانی نیز بر آن تاثیر دارند و لذا به بررسی عوامل بهبود عملکرد مدیریت محلی از جمله وضعیت مشارکت مردم در انتخابات مدیریت، مهارت مدیر، شبکه سازی و درآمد مدیریت محلی پرداخته اند. مطابق یافته های کلی، دولت محلی ماهرتر و پاسخگوتر عملکرد بهتری داشته و بطور کلی مدیریت محلی شاخصها را بهبود بخشیده است. مهربخش و پوررمضان (۱۳۹۶)، در بررسی عملکرد دهیاران زن در فرایند توسعه روستایی بخش مرکزی شهرستان رشت، چهار مولفه کالبدی-فیزیکی (عمرانی)، اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و زیست محیطی را مطرح نظر قرار دادند. نتایج این مطالعه حاکی از عملکرد بهتر دهیاران زن در مقایسه با دهیاران مرد در هر چهار بعد بوده و رضایت مردم از عملکرد دهیاران زن در حد زیاد و برای مردان در حد متوسط بوده است. در این بین دهیاران مرد بهترین عملکرد را در بعد محیط زیستی و دهیاران زن در بعد کالبدی-فیزیکی داشته اند.

دانشور عامری و همکاران (۱۳۹۵)، به تحلیل رضایتمندی روستاییان از عملکرد دهیاران در مدیریت نوین روستایی شهرستان اسکو، در پنج بعد اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، ایمنی و زیست محیطی پرداختند. مطابق یافته های ایشان ۶۳.۳ درصد روستاییان از عملکرد دهیار روستایشان رضایت متوسط و بالاتر داشتند و عملکرد اجتماعی دهیاران نسبت به سایر ابعاد بیشترین تاثیر را بر رضایت روستاییان داشت.

نتایج مطالعه پوررمضان و همکاران (۱۳۹۵) درباره عملکرد دهیاری روستای سیاه اسطخ در شهرستان رشت از دیدگاه روستاییان نشان داد که عملکرد دهیاری به ترتیب، در نیازهای اساسی، عملکردی و هیجانی دارای ضریب رضایت بیشتری بوده است. در این راستا به عقیده روستاییان، عملکرد دهیاری به ترتیب در زمینه توسعه فضای سبز و درختکاری (نیازهای اساسی)، کمک به جذب سرمایه‌گذاری‌های دولتی برای ایجاد فرصتهای جدید شغلی (نیازهای عملکردی) و مراقبت از روستا در مقابل حوادث طبیعی (نیازهای هیجانی) بهتر بوده است.

سربرقی مقدم و همکاران (۱۳۹۵)، در ارزیابی عملکرد دهیاران در فرایند توسعه پایدار روستایی بخش طرقله شهرستان بینالود، دریافتند عملکرد دهیاران در هر سه بعد اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی - کالبدی توسعه پایدار پایین تر از حد متوسط و مجموع عملکرد ایشان در توسعه پایدار روستایی در حد ضعیفی بوده است. در این بین عملکرد دهیاران در بعد اقتصادی در بدترین وضعیت و بعد اجتماعی در وضعیت بالنسبه بهتری قرار داشت. همچنین نتایج تحلیل خوشه ای عملکرد دهیاران در توسعه پایدار روستایی و ابعاد آن در روستاهای مختلف دلالت بر تفاوت این عملکرد در سکونتگاههای مختلف داشت.

احمدوند (۱۳۹۳)، در بررسی تاثیر دهیارها بر توسعه پایدار روستایی در شهرستان بویراحمد، در ابعاد سه گانه پایداری و در پنج حیطه، با استفاده از ابزار پرسشنامه، دریافت بیشترین فعالیت دهیارها در حیطه عمرانی و زیربنایی بوده و پس از آن حیطه های ارتباط با سازمانها و نهادها، اجتماعی- فرهنگی، زیست محیطی و در نهایت کمترین آنها در زمینه اقتصادی و منابع بوده است. در مجموع نتایج حاکی از وجود فاصله زیاد عملکرد در تطابق با نیاز و حد مطلوب بوده است.

نتایج مطالعه رضوانی و همکاران (۱۳۹۲)، در خصوص عملکرد دهیاری‌های شهرستان دهلران با مدل کانو، نشان دهنده عملکرد نامطلوب دهیاری‌ها به دلایلی چون عدم آگاهی مردم از حسابهای دهیاری، عدم رسیدگی واقعی به خواسته‌های آنان، عدم انتشار اعلام برنامه ها و عملکرد دهیاری ها و بی توجهی به نظرات و پیشنهادها مردمی بود. البته دیدگاه افراد بین روستاهای مختلف تفاوت معناداری با یکدیگر داشت.

مطابق نتایج مطالعه مطیعی لنگرودی و همکاران (۱۳۹۲)، در بخش کونانی در کوهدشت لرستان، بین عملکرد دهیاران و توسعه روستاهای مورد مطالعه در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و محیط زیستی رابطه معناداری وجود داشته و دهیاران بیشترین نقش آفرینی را در بعد اجتماعی داشته‌اند.

یافته‌های مطالعه امینی و جمینی (۱۳۹۲)، پیرامون عملکرد دهیارها در بخش مرکزی شهرستان روانسر، حاکی از آن بود که عملکرد دهیاری‌ها ضعیف و پایین تر از حد متوسط و به ترتیب عملکرد ابعاد اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، خدماتی و عملکرد مدیریتی به عنوان ضعیفترین ابعاد عملکرد دهیارها بوده است.

بر اساس یافته‌های مطالعه تقدیسی و همکاران (۱۳۹۰)، در خصوص عملکرد دهیاران در بخش کونانی شهرستان کوهدشت، دهیارها نقش موثری در توسعه روستاهای مورد مطالعه در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، و کالبدی- محیط زیستی داشته‌اند. در این بین بعد کالبدی- محیط زیستی بیشترین میانگین رتبه ای و پس از آن ابعاد اقتصادی و اجتماعی قرار داشتند.

در همین راستا، مبتنی بر مرور و جمع‌بندی ادبیات تحقیق، تعریف عملیاتی عملکرد دهیاری‌ها، در قالب ۵۸ شاخص در سه بعد اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی توسعه پایدار روستایی صورت پذیرفت (جدول ۱).

جدول ۱. عملیاتی سازی مفهوم عملکرد دهیاری ها در راستای توسعه پایدار روستایی

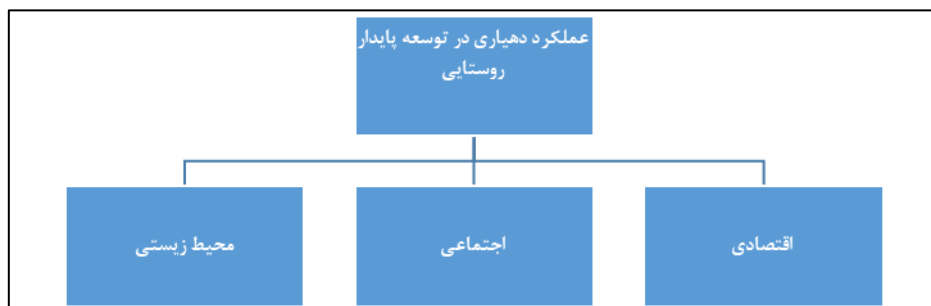
شاخص	بعد
<p>واسطه‌گری جهت اخذ وام برای روستاییان؛ تلاش در زمینه نوسازی اماکن عمومی (مسجد، موزه ...); تلاش در زمینه ایجاد پتانسیلهای جدید درآمد زا برای روستا؛ تلاش در زمینه اشتغالزایی برای روستاییان به ویژه جوانان؛ واگذاری زمین برای انجام فعالیتهای اقتصادی غیر کشاورزی به روستاییان؛ تلاش در جهت توسعه و نوسازی منابع آب روستا (قنات، کانالهای آبیاری...); بهبود سطح درآمد روستاییان؛ بهبود وضعیت وسایل حمل و نقل عمومی (اتوبوس، مینی‌بوس، تاکسی); بهبود وضعیت معابر درون روستا؛ بهبود وضعیت راههای ارتباطی روستا با شهر و روستاهای مجاور؛ ارتقا زیرساختهای فیزیکی توسعه معنوی روستاییان (ایجاد حسینیه، ایجاد مسجد...); اقدام در راستای تعیین مالکیت اراضی روستاییان؛ نظارت بر معاملات زمین و مسکن در روستا؛ نظارت بر معاملات بازرگانی و تجاری روستاییان (خرید و فروش تولیدات کشاورزی، صنایع دستی و ...); تلاش در جهت ایجاد بازارچه های هفتگی؛ همکاری دهیاری در ارائه و ثبت آمارهای دقیق روستا (میزان تولیدات؛ خرید و فروش، جمعیت، مولید و وفات، ...; حمایت از روستاییان برای افزایش سرمایه گذاری در فعالیت های کشاورزی؛ حمایت از روستاییان برای افزایش سرمایه گذاری در توسعه صنایع روستایی (صنایع فراوری محصولات کشاورزی، تولید ماشین آلات کشاورزی، صنایع دستی بومی...); تلاش برای جذب سرمایه گذاری افراد غیر روستایی (شهری، خارجی...)</p>	<p>عملکرد اقتصادی</p>
<p>اقدام جهت حل اختلاف بین روستاییان؛ افزایش زمینه‌های مشارکت زنان در امور روستا؛ همکاری با نیروی انتظامی در ایجاد نظم و امنیت در روستا؛ برقراری امنیت در روستا از طریق همکاری با مردم؛ مشارکت دادن عموم روستاییان در تصمیم گیری های مدیریتی مرتبط با روستا؛ جلب مشارکت غیر مالی مردمی در امور اجرایی روستا (توسعه معابر، اراضی، منابع آب، زیرساختها، جمع آوری زباله...); اقدام جهت معرفی روستاییان به نهادهای مربوطه برای تامین ماشین آلات و نهاده های کشاورزی؛ جلب مشارکت مالی مردم در امور اجرایی روستا (توسعه معابر، اراضی، منابع آب، زیرساختها، جمع آوری زباله...); ترغیب مردم به عضویت یا توسعه فعالیتهای در تعاونی روستا؛ معرفی خانواده‌های محروم روستا به نهادهای حمایت کننده (کمیته امداد/خیرین); افزایش دسترسی برابر زنان روستایی به امکانات و حمایت‌های مالی (وام و اعتبارات، ...); افزایش دسترسی برابر زنان روستایی به امکانات و حمایت‌های غیر مالی (آموزش، واگذاری زمین، ...); تلاش جهت توسعه مراکز حمایت از افراد کم توان (معلولین، سالمندان، ...); تشویق و ترغیب روستاییان به رعایت قوانین و مقررات دولتی؛ تلاش جهت حمایت از کشاورزان و روستاییان در مقابله با بحرانهای طبیعی در روستا (خشکسالی، آفات، ...); حفاظت، بازسازی و مرمت بناهای تاریخی روستا؛ حفظ و توسعه آداب و رسوم و فرهنگ روستا؛ بهبود برگزاری مراسمات مذهبی در روستا (نماز جمعه، مراسمات عزاداری و جشن میلاد ائمه اطهار...); توسعه مراکز آموزشی (مدرسه، زبانکده...); برای ارتقا سطح دانش و آگاهی روستاییان؛ تلاش جهت برگزاری دوره های آموزشی- ترویجی (کشاورزی، صنایع روستایی، مهارتهای زندگی، بهداشتی...); توسعه مراکز بهداشتی درمانی در روستا؛ تسهیل دسترسی روستاییان جهت تامین مایحتاج روزانه؛ ارتقا دسترسی روستاییان به زیر ساختها و خدمات تامین برق روستا؛ ارتقا دسترسی روستاییان به زیر ساختها و خدمات آب</p>	<p>عملکرد اجتماعی</p>

و فاضلاب؛ ارتقا دسترسی روستاییان به زیر ساختها و خدمات تامین گاز روستا؛ ارتقا دسترسی روستاییان به زیرساختهای مخابراتی در روستا (تلفن و موبایل)؛ توسعه مرکز فناوری اطلاعات و ارتباطات و خدمات اینترنتی در روستا؛ جلوگیری از ساخت وسازهای غیر مجاز و ارجاع پرونده تخلفات ساختمانی به کمیسیون؛ پیگیری جهت احداث و توسعه کتابخانه در روستا

عملکرد همکاری با مسئولان در جهت حفظ منابع طبیعی روستا؛ اتخاذ تدابیر جهت مقابله با بلایای طبیعی (سیل/طوفان)؛ جمع آوری **محیط زیستی** و دفن بهداشتی زباله؛ تغییر و زیباسازی محیط ظاهری روستا؛ تلاش جهت ممانعت از تخریب و فرسایش خاک و بهبود آن؛ تلاش جهت ممانعت از بین رفتن گونه های گیاهی بومی روستا؛ تلاش جهت ممانعت از بین بردن گونه های جانوری موجود در حوزه روستا (مثلا شکار بی رویه، ...)؛ جلوگیری از تغییرات نامناسب کاربری اراضی (تبدیل مراتع به زمین های کشاورزی/باغ، تبدیل زمینهای کشاورزی به مسکن و...)؛ توسعه فضای سبز جهت تفریح روستاییان؛ همکاری با سازمانهای حفاظت کننده محیط زیست برای حفظ و بهبود محیط زیست روستا

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۷ بر اساس ادبیات و پیشینه پژوهش

بر این اساس مدل مفهومی پژوهش حاضر در شکل (۱) ارائه شده است.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش (نگارندگان، ۱۳۹۷)

روش پژوهش

پژوهش حاضر پیمایشی، از نظر هدف کاربردی، به لحاظ بازه زمانی تک مقطعی و مبتنی بر بهره گیری از روش توصیفی-تحلیلی می باشد. به منظور گردآوری اطلاعات مورد نیاز از بررسی های اسنادی و میدانی استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه ساکنان ۸ روستای دارای بیش از سه خانوار جمعیت و دهیاری، در دهستان رامند جنوبی، شهرستان بوئین زهرا در استان قزوین، برابر با ۳۴۴۲ نفر بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۶). حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران در سطح خطای ۵ درصد، ۳۵۰ نفر بر آورد گردید که تعداد نمونه در هر روستا با روش انتساب متناسب تعیین و انتخاب نمونه‌ها به صورت تصادفی ساده انجام شد (جدول ۲).

جدول ۲. جامعه آماری و تعداد نمونه مورد مطالعه در دهستان رامند جنوبی و روستاهای آن

نام روستا	اسپیک	بندسر	سوراوجین	مرادیگلکو	یزن	سومینک	خوزنین	خیارچ	جمع
جمعیت	۱۱۸	۸۳	۱۱۲	۸۳	۱۱۵	۹۴	۲۱۷۷	۶۶۰	۳۴۴۲
تعداد نمونه	۱۲	۹	۱۲	۹	۱۲	۱۰	۲۱۹	۶۷	۳۵۰

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۶ و محاسبات پژوهش

ابزار گردآوری داده‌ها، مشاهده و پرسشنامه نیمه باز بود که از طریق مصاحبه تکمیل شدند. به منظور سنجش پذیر نمودن عملکرد دهیاری‌ها و تهیه پرسشنامه، این مفهوم در قالب سه بعد اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی، به ترتیب با ۱۹، ۲۹ و ۱۰ گویه عملیاتی گردید (جدول ۱) که وضعیت آن از طریق طیف لیکرت (۱=خیلی کم؛ ۲=کم؛ ۳=متوسط؛ ۴=زیاد؛ ۵=خیلی زیاد) مورد ارزیابی قرار گرفت. رویای صوری ابزار پژوهش، مبتنی بر دیدگاه خبرگان امر و پایایی آن با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ (مقادیر بالاتر از ۰.۷) طبق جدول (۳) تایید شد.

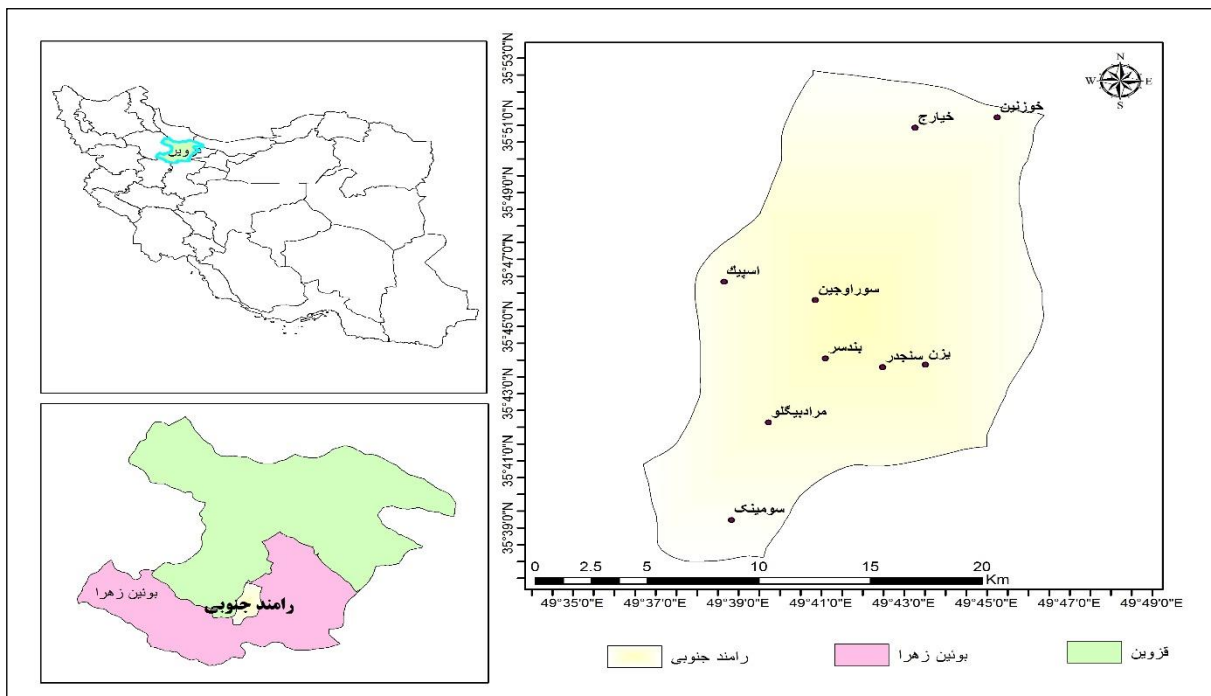
جدول ۳. مقدار ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای پرسشنامه

متغیر	عملکرد اقتصادی	عملکرد اجتماعی	عملکرد محیط زیستی	عملکرد در توسعه پایدار روستایی
مقدار آلفا	۰.۹۱	۰.۹۲	۰.۸۴	۰.۹۵

در تجزیه و تحلیل داده ها از آماره های توصیفی فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار و ضریب تغییرات استفاده شد. به منظور تحلیل استنباطی یافته‌ها با بهره گیری از آزمون کلموگروف اسمیرنوف وضعیت بهنجاری توزیع داده ها تعیین و سپس مبتنی بر نتیجه حاصله، آزمونهای ناپارامتری دو جمله ای و کروسگال والیس مورد استفاده قرار گرفتند. به منظور تحلیل فضایی یافته ها و پهنه بندی منطقه مورد مطالعه به لحاظ عملکرد دهیاری در توسعه پایدار روستایی و ابعاد آن، از تکنیک درونابی IDW برای تبدیل داده های وکتوری نقطه ای به برونداد و تحلیل های رستری بهره گرفته شد. نرم افزارهای مورد استفاده برای تحلیل شامل SPSS و GIS بودند.

منطقه مورد مطالعه

منطقه مورد مطالعه در پژوهش حاضر، دهستان رامند جنوبی، با مختصات بین محدوده "۳۵° ۵۹' تا ۳۵° ۵۲' ۳۹" عرض شمالی و "۴۱° ۳۶' ۴۹" تا "۴۱° ۲۲' ۴۶" طول شرقی است. این دهستان، مشتمل بر ۱۶ آبادی، واقع در بخش رامند شهرستان بوئین زهرا در استان قزوین می باشد (شکل ۲). بخش رامند شامل دو دهستان رامند جنوبی و همچنین ابراهیم آباد بوده که ۱۶ درصد از سهم مساحت استان را در بر می گیرد. این بخش دارای یک شهر به نام دانسفهان می باشد که مرکز بخش رامند است (پایگاه اطلاع رسانی استانداری قزوین، ۱۳۹۶). ساکنان این منطقه به لحاظ مذهبی معتقد به دین اسلام و مذهب شیعه دوازده امامی می باشند. زبان مردم محلی ترکیبی از زبانهای تاتی محلی، ترکی و فارسی است. فعالیت کشاورزی، اقتصاد غالب در روستاهای این ناحیه است. گندم، جو، نخود و صیفی جات محصولات غالب زراعی آن می باشند و باغداری (انگور، گردو و بادام) و دامداری (گوسفند، بز، گاو و طیور) از رونق برخوردار است. علاوه بر این صنایع دستی (قالیافی و جاجیم بافی) نیز در اقتصاد خانوارهای روستایی نقش دارد.



شکل ۲- موقعیت جغرافیایی دهستان رامند جنوبی در شهرستان بوئین زهرا، استان قزوین (نگارنده، ۱۳۹۷)

مبتنی بر آمار درج شده در شناسنامه آبادیهای کشور (۱۳۹۰) و همچنین مشاهدات و مصاحبه های تکمیلی به عمل آمده، از ۱۶ آبادی واقع در دهستان رامند جنوبی، ۷ آبادی فاقد جمعیت بوده و روستای سنجدر نیز تنها با ۱۸ نفر جمعیت فاقد دهیاری بود.

بر این مبنا کلیه ۸ روستای باقی مانده که دارای شورای اسلامی و دهیاری بودند مورد مطالعه قرار گرفتند. به لحاظ وضعیت سکونت دهیاران، به جز روستاهای خوزنین، خیارج و یزن که دهیاران از اهالی و ساکن در روستا می باشند، در بقیه موارد این امر لحاظ نشده بود. در این بین دهیار روستای بندسر ساکن تهران بود که ماهیانه یک بار برای سرکشی به روستا مراجعه می نمود و برادر وی به عنوان نماینده و رابط او با مردم فعالیت می کرد. از نظر ترکیب جنسیتی، دهیاران در دو روستای مرادبیگلو و سومینک زن و مابقی مرد بودند (جدول ۴).

جدول ۴. جنسیت و وضعیت سکونت دهیاران روستاهای مورد مطالعه در دهستان رامند جنوبی

نام روستا	اسپیک	بندسر	سوراوجین	مرادبیگلو	یزن	سومینک	خوزنین	خیارج
جنسیت	مرد	مرد	مرد	زن	مرد	زن	مرد	مرد
وضعیت سکونت	ساکن دانسفهان	ساکن	ساکن اسپیک	ساکن دانسفهان	ساکن	ساکن دانسفهان	ساکن	ساکن
		تهران						

منبع: یافته های پژوهش، ۱۳۹۶

یافته ها

مطابق یافته‌های توصیفی پژوهش حاضر، از مجموع ۳۵۰ نفر نمونه مورد مطالعه، ۹۱.۱ درصد (۳۱۹ نفر) مرد و ۸.۹ درصد (۳۱ نفر) را زنان تشکیل می دهند. میانگین سنی پاسخگویان ۴۱.۱، با کمینه ۱۶ و بیشینه ۸۳ سال است. در این بین کمترین فراوانی برابر با ۲۳ نفر (۶/۶ درصد) در رده سنی ۷۲-۸۶ سال و بیشترین آنها معادل ۱۱۲ نفر (۳۲ درصد) در گروه سنی بالاتر از ۳۰ تا ۴۴ سال قرار دارند. ۶۰ درصد از پاسخگویان دارای بعد خانوار ۳ تا ۶ نفر و ۷.۷ درصد بیش از ۶ نفر بودند. از لحاظ وضعیت تحصیلات بیشترین فراوانی (۹۷ نفر) مربوط به افرادی با تحصیلات دبیرستان و دیپلم بود (جدول ۵). از نظر شغلی، به ترتیب ۱۰۸ و ۱۰۲ نفر در زمینه دامداری و کشاورزی فعالیت می کنند. همچنین ۳۱ نفر کارمند و ۸۱ نفر دارای شغل آزاد و در این میان ۳۲۳ نفر (۹۱.۸ درصد) افراد در روستا و مابقی در شهر شاغل هستند.

جدول ۵. فراوانی و درصد وضعیت تحصیلات در نمونه مورد مطالعه

سطح سواد	بیسواد و خواندن و نوشتن	دبستان	راهنمایی	دبیرستان و دیپلم	لیسانس	فوق لیسانس و دکتری	جمع
فراوانی	۷۵	۳۴	۷۷	۹۷	۵۴	۱۳	۳۵۰
درصد	۲۱.۴	۹.۷	۲۲	۲۷.۷	۱۵.۴	۳.۷	۱۰۰

منبع: یافته های پژوهش، ۱۳۹۷

میانگین کلی عملکرد دهیاری‌ها در توسعه پایدار روستاهای مورد مطالعه، نشان داد از ۵۸ شاخص مطروحه، ۱۸ شاخص دارای میانگین در حد متوسط یا بالاتر از آن بودند (جدول ۶). در این بین، تنها یک شاخص "تلاش جهت توسعه مراکز حمایت از افراد کم توان (معلولین، سالمندان، ...)" میانگینی کمتر از ۲، معادل ۱.۹۳ را کسب نمود.

جدول ۶. شاخص های عملکرد دهیاری ها با میانگین بالاتر از حد متوسط (۳=) از منظر نمونه مورد مطالعه

میانگین	گویه	میانگین	گویه
۳.۰۳	بهبود وضعیت معابر درون روستا	۳.۰۰	پیگیری جهت احداث و توسعه کتابخانه در روستا
۳.۰۰	عملکرد دهیاری در ارائه و ثبت آمارهای دقیق روستا	۳.۳۹	ارتقا دسترسی روستاییان به زیر ساختها و خدمات تامین گاز
۳.۰۰	حمایت از افزایش سرمایه گذاری روستاییان در کشاورزی	۳.۰۰	ارتقا دسترسی روستاییان به زیر ساختها و خدمات آب و فاضلاب
۳.۰۰	اقدام در راستای حل اختلاف بین روستاییان	۳.۰۳	همکاری با مسئولان در جهت حفظ منابع طبیعی
۳.۲۸	همکاری با نیروی انتظامی در ایجاد نظم و امنیت	۳.۳۵	اتخاذ تدابیر جهت مقابله با بلایای طبیعی (سیل / طوفان)
۳.۱۲	برقراری امنیت در روستا از طریق همکاری با مردم	۳.۲۱	جلوگیری از تغییرات نامناسب کاربری اراضی

۳۰۰	جمع آوری و دفن بهداشتی زباله	۳۰۱۸	تشویق روستاییان به رعایت قوانین و مقررات دولتی
۳۰۰	تغییر و زیباسازی محیط ظاهری روستا	۳۰۰	معرفی خانواده‌های محروم به نهادهای حمایت کننده
۳۰۱۳	همکاری با سازمانهای حفاظت کننده محیط زیست برای حفظ و بهبود محیط زیست روستا	۳۰۶۳	جلوگیری از ساخت وسازه‌های غیر مجاز و ارجاع پرونده تخلفات ساختمانی به کمیسیون

منبع: یافته های پژوهش، ۱۳۹۷

در همین رابطه سایر شاخص‌ها (شامل ۳۹ شاخص) دارای میانگینی بین این مقادیر بودند. برای نمونه می توان به اقدامات دهیار در زمینه ارتقا پتانسیلهای جدید درآمدزا (۲۰۳۹)، اشتغالزایی برای روستاییان به ویژه جوانان (۲۰۵۱)، حمایت از روستاییان برای افزایش سرمایه گذاری در توسعه صنایع روستایی (۲۰۵۰)، جذب سرمایه گذاری توسط افراد غیر روستایی (۲۰۴۰)، بهبود وسایل حمل و نقل عمومی (۲۰۰۲)، افزایش زمینه های مشارکت زنان و دختران در امور روستا (۲۰۵۷)، جلب مشارکت غیر مالی مردمی در امور اجرایی (۲۰۸۲)، حمایت از روستاییان در مقابله با بحرانهای طبیعی (۲۰۷۳)، حفاظت، بازسازی و مرمت بناهای تاریخی روستا (۲۰۷۸)، ایجاد مراکز آموزشی (مدرسه، زبانکده...) برای ارتقا سطح دانش و آگاهی روستاییان (۲۰۲۷)، بهبود دسترسی به زیرساختهای مخابراتی (۲۰۸۷) و مرکز فناوری اطلاعات و ارتباطات و توسعه خدمات اینترنتی (۲۰۳۵)، ممانعت از تخریب و فرسایش خاک و بهبود آن (۲۰۴۷) و توسعه فضای سبز جهت تفریح روستاییان (۲۰۹۳) اشاره داشت.

یافته های توصیفی پژوهش در خصوص وضعیت کلی عملکرد دهیارها در توسعه پایدار روستایی و ابعاد آن، نشان می دهد که بعد محیط زیستی بیشترین میانگین (۲۰۹۲) و بعد اقتصادی کمترین میانگین (۲۰۵۳) را داشته است. میانگین کلی عملکرد دهیاری در توسعه پایدار روستایی، از سوی پاسخگویان در حد ۲۰۷۲ ابراز گردیده است. در همین راستا مقدار ضریب تغییرات محاسبه شده برای عملکرد دهیاریها در ابعاد مختلف توسعه پایدار روستایی حاکی از آن است که دهیاران روستاهای مورد مطالعه در بعد اجتماعی بهترین عملکرد (۰۰۲۵) و در بعد اقتصادی ضعیفترین عملکرد (۰۰۳۲) را داشته اند (جدول ۷).

جدول ۷. میانگین و انحراف معیار عملکرد دهیاری در توسعه پایدار روستایی و ابعاد آن

آماره/متغیر	عملکرد اقتصادی	عملکرد اجتماعی	عملکرد محیط زیستی	عملکرد در توسعه پایدار روستایی
میانگین	۲۰۵۳	۲۰۷۴	۲۰۹۲	۲۰۷۲
انحراف معیار	۰۰۸۰	۰۰۷۰	۰۰۷۷	۰۰۶۳
ضریب تغییرات (CV)	۰۰۳۲	۰۰۲۵	۰۰۲۶	-
رتبه عملکرد دهیاری	۳	۱	۲	-

منبع: یافته های پژوهش، ۱۳۹۷

یافته های درج شده در جدول (۸) در خصوص دیدگاه پاسخگویان روستایی نسبت به عملکرد دهیاری در توسعه پایدار روستایی، متاثر از نقش آفرینی ایشان در مدیریت روستایی، حاکی از آن است که دهیاران بیشترین میانگین (۳۰۱۸) و مدیران تعاونی کمترین میانگین (۲۰۴۷) را به عملکرد دهیاریها در روستاهای مورد مطالعه داده اند. مبتنی بر ضریب تغییرات محاسبه شده، عملکرد دهیاریها از دید خود دهیاران در بهترین رتبه و از دید مردم عادی روستا در رتبه آخر قرار گرفت. به عبارتی مردم عادی روستا در مقایسه با سایر گروهها و به خصوص خود دهیاران پایین ترین رتبه را به عملکرد دهیارها داده اند.

جدول ۸. آماره های توصیفی عملکرد دهیاری مبتنی بر نقش پاسخگویان در مدیریت روستایی

متغیر	نقش در روستا	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات (CV)	رتبه
عملکرد دهیاری در توسعه پایدار روستایی	عضو شورا	۱۶	۲۰۸۸	۰۰۶۴	۰۰۲۲۲	۲
	دهیار	۸	۳۰۱۸	۰۰۵۴	۰۰۱۷۰	۱
	مدیر تعاونی	۶	۲۰۴۷	۰۰۵۶	۰۰۲۲۷	۳
	فرد عادی	۳۲۰	۲۰۷۱	۰۰۶۳	۰۰۲۳۲	۴

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

در خصوص وضعیت عملکرد دهیاری در توسعه پایدار روستایی با توجه به وضعیت سکونت دهیار، نتایج درج شده در جدول (۹) نشان می‌دهد که عملکرد دهیاران ساکن در شهر کمترین میانگین (۲.۳۰) را در مقایسه با دهیاران ساکن روستا داشته است.

جدول ۹. آماره‌های توصیفی عملکرد دهیاری مبتنی بر نوع سکونت دهیار

متغیر	نوع سکونت	فراوانی	میانگین	انحراف معیار
عملکرد دهیاری در توسعه پایدار	ساکن در روستا	۳	۲.۷۸	۰.۱۳
روستایی	ساکن در روستاهای پیرامون	۱	۲.۷۷	۰
	ساکن در شهر	۴	۲.۳۱	۰.۲۶

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

به منظور انتخاب آزمونهای مناسب برای تحلیل یافته‌ها، از آزمون کولموگروف اسمیرنوف استفاده شد. مطابق نتایج حاصله، آزمون کولموگروف اسمیرنوف در خصوص متغیرهای عملکرد اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی در سطح ۱ درصد و در رابطه با متغیر عملکرد کلی دهیار در توسعه پایدار روستایی در سطح ۵ درصد معنادار بوده، در نتیجه توزیع داده‌ها نرمال نمی‌باشد. لذا در تحلیل داده‌ها از آزمونهای ناپارامتریک استفاده گردید (جدول ۱۰).

جدول ۱۰. آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای بررسی وضعیت نرمال بودن توزیع داده‌های متغیرهای پژوهش

متغیر	عملکرد اقتصادی	عملکرد اجتماعی	عملکرد محیط زیستی	عملکرد در توسعه پایدار روستایی
مقدار آزمون	۰.۰۶۴**	۰.۰۶۱**	۰.۰۸۸**	۰.۰۵۰*
sig	۰.۰۰۱	۰.۰۰۳	۰.۰۰۰	۰.۳۴۰
وضعیت	غیرنرمال	غیرنرمال	غیرنرمال	غیرنرمال

** معناداری در سطح ۱ درصد؛ * معناداری در سطح ۵ درصد؛ منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

برای تعیین وضعیت عملکرد دهیاری در توسعه پایدار روستاهای مورد مطالعه و ابعاد مختلف آن، از آزمون ناپارامتری دو جمله ای با تعیین مقدار ارزش معیار ۳ (معادل حد متوسط در طیف لیکرت) استفاده گردید. براساس یافته‌های درج شده در جدول (۱۱)، در مورد کلیه متغیرها اعم از عملکرد دهیاری‌ها در توسعه پایدار روستایی و ابعاد سه گانه آن، تفاوت معناداری در سطح ۱ درصد، بین دیدگاه دو گروه پاسخگویان وجود دارد. در مورد کلیه متغیرها، نسبت غالب مرتبط با گروه پاسخگویانی است که میانگین عملکرد دهیاری‌ها را در حد متوسط (=۳) و کمتر از آن دانسته‌اند. بطوریکه به ترتیب ۷۴، ۶۵ و ۵۷ درصد پاسخگویان معتقدند دهیاری‌ها عملکردی در سطح متوسط یا کمتر از آن در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی داشته‌اند. در همین رابطه ۶۷ درصد پاسخگویان عملکرد کلی دهیارها در توسعه پایدار روستایی را کمتر از حد متوسط ارزیابی نموده‌اند. بر این مبنا عملکرد دهیارها، با اطمینان ۹۹ درصد تفاوت معناداری تا رسیدن به حد متوسط و بالاتر از آن دارد.

جدول ۱۱. آزمون دو جمله ای عملکرد دهیاری در توسعه پایدار روستایی و ابعاد آن در روستاهای مورد مطالعه

متغیر/آماره	گروه	فراوانی	نسبت مشاهده شده	درصد مشاهده شده	نسبت آزمون	Sig
عملکرد اقتصادی	کمتر و مساوی ۳	۲۵۸	۰.۷۴	۷۴	۰.۵۰	۰.۰۰۰**
	بیشتر از ۳	۹۲	۰.۲۶	۲۶		
عملکرد اجتماعی	کمتر و مساوی ۳	۲۲۶	۰.۶۵	۶۵	۰.۶۵	۰.۰۰۰**
	بیشتر از ۳	۱۲۴	۰.۳۵	۳۵		
عملکرد محیط زیستی	کمتر و مساوی ۳	۲۰۱	۰.۵۷	۵۷	۰.۵۷	۰.۰۰۶**
	بیشتر از ۳	۱۴۹	۰.۴۳	۴۳		
کمتر و مساوی ۳	۲۳۴	۰.۶۷	۶۷	۰.۶۷	۰.۰۰۰**	

عملکرد دهیاری در توسعه پایدار روستایی	بیشتر از ۳	۱۱۶	۰.۳۳	۳۳
---------------------------------------	------------	-----	------	----

** معناداری در سطح ۱ درصد؛ منبع: یافته های پژوهش، ۱۳۹۷

نتایج آزمون کروسگال والیس در خصوص مقایسه تطبیقی دیدگاه افراد عادی روستا با کسانی که در مناصب مدیریتی شامل دهیار، عضویت شورا و مدیریت تعاونی نقش داشته اند، بیانگر آن است که تفاوت معناداری بین دیدگاه این چهار گروه وجود ندارد (جدول ۱۲).

جدول ۱۲. وضعیت تفاوت بین دیدگاه گروهها نسبت به عملکرد دهیاری متأثر از نقش مدیریتی در روستا

آزمون	نقش در روستا	فراوانی	میانگین رتبه	آماره آزمون
کروسگال والیس	عضو شورا	۱۶	۱۹۳.۴۴	۳
	دهیار	۸	۲۴۷.۵۰	
	مدیر تعاونی	۶	۱۳۲.۲۵	
	فرد عادی	۳۲۰	۱۷۳.۶۱	

منبع: یافته های پژوهش، ۱۳۹۷

مطابق یافته های درج شده در جدول (۱۳)، نتایج آزمون کروسگال والیس در خصوص مقایسه تطبیقی دیدگاه پاسخگویان در ارتباط با عملکرد دهیارها مبتنی بر وضعیت سکونت آنها، حاکی از وجود تفاوت معنادار در سطح ۱ درصد بین سه گروه می باشد. در این خصوص بیشترین میانگین رتبه ای عملکرد (۱۸۳.۸۴)، مربوط به دهیارانی است که در روستاهای محل خدمت خود سکونت دارند.

جدول ۱۳. وضعیت تفاوت در عملکرد دهیاری به لحاظ وضعیت سکونت دهیار

آزمون	نوع سکونت دهیار	فراوانی	میانگین رتبه	آماره آزمون
کروسگال والیس	ساکن در روستا	۲۹۸	۱۸۳.۸۴	۲
	ساکن در روستاهای پیرامون	۱۲	۱۷۷.۳۳	
	ساکن در شهر	۴۰	۱۱۲.۷۹	

** معناداری در سطح ۱ درصد؛ منبع: یافته های پژوهش، ۱۳۹۷

پهنه بندی عملکرد دهیاری در توسعه پایدار سکونتگاههای روستایی دهستان رامند جنوبی

یافته های حاصل از تحلیل مکانی عملکرد دهیارهای روستاهای مورد مطالعه، حاکی از آن است که از منظر پاسخگویان دهیاران در روستای یزن بیشترین میانگین (۲.۸۴) و روستای مرادیگلو (۱.۹۹) کمترین میانگین عملکردی را داشته اند (جدول ۱۴).

جدول ۱۴. آماره های توصیفی عملکرد دهیاری در توسعه پایدار روستاهای مورد مطالعه

آماره عملکرد دهیاری / روستا	خيارج	خوزنين	سومينک	يزن	مرادیگلو	سوراوجين	بندسر	اسپیک
میانگین	۲.۶۱	۲.۸۳	۲.۶۲	۲.۸۴	۱.۹۹	۲.۷۸	۲.۳۱	۲.۳۰
انحراف معیار	۰.۵۹	۰.۶۱	۰.۶۸	۰.۴۷	۰.۹۵	۰.۵۴	۰.۵۳	۰.۵۲

منبع: یافته های پژوهش، ۱۳۹۷

در همین راستا نتایج آزمون کروسگال والیس، برای تعیین معناداری تفاوت عملکرد دهیاریها در توسعه پایدار روستاهای مورد مطالعه، بیانگر وجود تفاوت معنادار، در سطح خطای ۱ درصد، بین عملکرد دهیاریها در این روستاها بوده است. در این

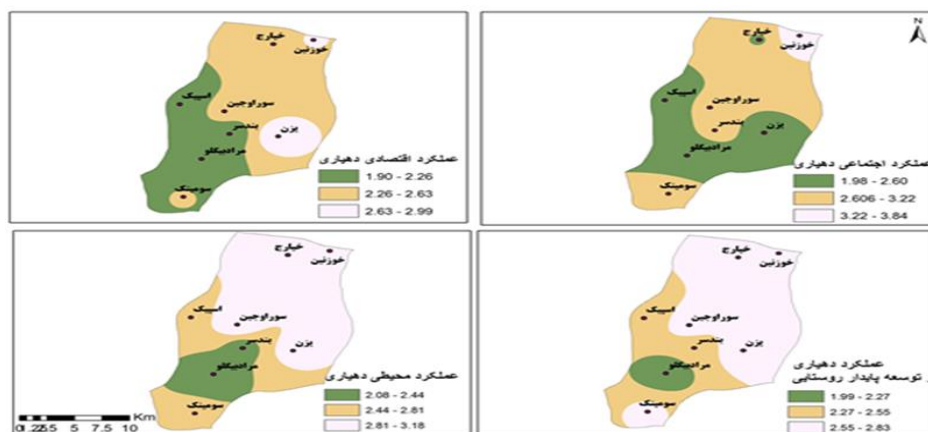
خصوص روستای یزن بیشترین میانگین رتبه ای (۱۹۷.۶۷۳) و مرادیگلو کمترین میانگین رتبه ای (۸۹.۸۹) را کسب نمود (جدول ۱۵).

جدول ۱۵. وضعیت تفاوت بین عملکرد دهیاری‌ها در روستاهای مورد مطالعه

آزمون کروسگال والیس	نام روستا	فراوانی	میانگین رتبه	آماره آزمون	
				کای اسکویر	درجه آزادی
sig ۰.۰۰۰**	اسپیک	۱۲	۱۰۴.۱۳	۳۰.۱۵۹	۷
	بندسر	۹	۹۹.۳۳		
	سوراوجین	۱۲	۱۷۷.۳۳		
	مرادیگلو	۹	۸۹.۸۹		
	یزن	۱۲	۱۹۷.۶۷		
	سومینک	۱۰	۱۵۵.۹۰		
	خوزین	۲۱۹	۱۹۳.۷۳		
	خیارج	۶۷	۱۴۹.۰۵		

** معناداری در سطح درصد؛ منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

نظر به وجود تفاوت معنادار بین عملکرد دهیاریها در روستاهای مورد مطالعه، جهت پهنه بندی وضعیت عملکردی دهیاریها در منطقه مورد مطالعه، ارزش عملکردی داده‌های نقطه‌ای روستاها، شامل میانگین عملکرد دهیاری در توسعه پایدار روستایی و ابعاد آن، با استفاده از تکنیک درونیابی IDW، در قالب برونداد رستری در قالب نقشه استخراج شدند (شکل ۳). واکاوی نقشه‌ها نشان دهنده آن است که از منظر کلی از شمال دهستان به سمت جنوب وضعیت عملکردی دهیاریها ضعیف تر شده است که البته در این بین روستای سومینک در بخش جنوبی از وضعیت متفاوت و بهتری برخوردار بوده است. در این راستا مجموع عملکرد دهیاری در توسعه پایدار روستاهای خیارج، سوراوجین، یزن، خوزین و سومینک (میانگین ۲.۵۵ تا ۲.۸۳) در وضعیت عملکردی بهتری در مقایسه با سایر روستاهای منطقه دارند. همچنین دهیاری روستای خوزین در کلیه ابعاد از عملکرد بالاتری نسبت به سایر دهیاریها برخوردار بوده است. در بین ابعاد مختلف، عملکرد دهیاری در بعد محیطی در سطح بیشتری از منطقه به نسبت بهتر و در بعد اقتصادی ضعیفتر بوده است. همچنین در میانه جنوبی دهستان، عملکرد دهیاری روستای مرادیگلو در ابعاد مختلف و کلیت توسعه پایدار روستایی از پایین ترین سطح برخوردار بوده است. همچنین در روستای یزن که عملکرد کلی و ابعاد اقتصادی و محیطی از وضعیت مساعدی برخوردار بوده اند، در مقایسه با سایر روستاها عملکرد اجتماعی ضعیفتری داشته است (شکل ۳).



شکل ۳. پهنه بندی منطقه مورد مطالعه بر اساس عملکرد دهیاری در توسعه پایدار روستایی و ابعاد آن

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷)

نتیجه گیری

نتایج پژوهش حاضر دلالت بر آن دارد که عملکرد دهیاری در اکثر شاخصهای توسعه پایدار (حدود دو سوم شاخصها) در روستاهای مورد مطالعه، از جمله توسعه پتانسیلهای اشتغال و درآمدزایی، بهبود زیر ساختهای ارتباطی فیزیکی و مجازی، حفظ و بهبود آثار فرهنگی و تاریخی، ترغیب روستاییان و زنان به مشارکتهای غیر مالی و حفظ منابع خاکی روستا پایین تر از حد متوسط بوده است. در این بین عملکرد دهیاریها، در ۱۸ شاخص از کل ۵۸ شاخص سنجنده (معادل ۳۱٪) بالاتر از حد متوسط بوده است که از جمله این اقدامات می توان به ارتقا امنیت با همکاری مردم و نیروی انتظامی، بهبود وضعیت معابر، جلوگیری از ساخت و سازهای غیرمجاز و تغییرات نامناسب کاربری اراضی، زیباسازی محیط روستا و جمع آوری بهداشتی زباله، بهبود زیر ساختهای آبرسانی و گازرسانی اشاره داشت. چارچوب ابعاد و شاخصهای سنجنده بکار گرفته شده در این پژوهش، با رویکرد حداکثری به صورت محقق ساخته مبتنی بر تدوین و جرح و تعدیل سنجنده های متعدد بکار رفته در مطالعات متعدد پیشین تهیه و روایی و پایایی آن مورد تایید قرار گرفته که از قابلیت استفاده در سایر مطالعات ارزیابی عملکرد دهیارها برخوردار است. در خصوص هر یک از این شاخصها، مطالعات پیشین نتایج متفاوتی به لحاظ وضعیت عملکردی دهیاران در مناطق و دوره های زمانی متفاوت به دست داده اند. بر این اساس عملکرد دهیارها باید بطور مکرر، طی دوره های زمانی تعریف شده به منظور مشخص نمودن میزان دستیابی به اهداف آنها در توسعه پایدار روستایی برای هر یک از سکونتگاههای روستایی دارای دهیاری مورد ارزیابی قرار گیرد. به نظر می رسد نتایج ارزیابی عملکرد دهیارها می تواند به عنوان شاخصی در درجه بندی آنها مورد توجه قرار گیرد.

مبتنی بر نتایج حاصل از پژوهش، در مجموع عملکرد دهیاریها در توسعه پایدار روستاهای دهستان رامند جنوبی بطور معناداری کمتر از حد متوسط و ضعیف بوده است. نتایج مطالعه سربرقی مقدم و همکاران (۱۳۹۵) در بخش طرهبه شهرستان بینالود، احمدوند (۱۳۹۳) در بویراحمد، رضوانی و همکاران (۱۳۹۲) در دهلران، امینی و جمینی (۱۳۹۲) در روانسر و مکمل (۲۰۱۵) در آفریقای جنوبی، در تطابق با یافته های مطالعه حاضر دلالت بر ضعف عملکرد دهیارها داشته است. در مقابل نتایج مطالعه لوئیک-لیندسار و همکاران (۲۰۱۸) در استونی، دانشور عامری و همکاران (۱۳۹۵) در اسکو، مطیعی لنگرودی و همکاران (۱۳۹۲) در کوهدشت لرستان، تقدیسی و همکاران (۱۳۹۰) بیانگر عملکرد متوسط و بالاتر دهیارها بوده که با نتایج مطالعه حاضر مطابقت ندارد. بر این مبنا صرف وجود دهیاری توسعه پایدار روستایی به صورت کل گرا و همه جانبه محقق نخواهد شد و توانمندسازی و ایجاد بستر مساعد فعالیت دهیارها باید مورد توجه قرار گیرد.

علاوه بر این عملکرد دهیارهای مورد مطالعه به تفکیک ابعاد اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی نیز بطور معناداری در سطحی کمتر از حد متوسط ارزیابی گردید و همچنین این عملکرد در ابعاد مختلف توسعه همسان نبوده است. دهیاران بهترین عملکرد را در بعد محیط زیستی و ضعیفترین عملکرد را در بعد اقتصادی توسعه پایدار روستاهای مورد مطالعه داشته اند. سربرقی مقدم و همکاران (۱۳۹۵) و احمدوند (۱۳۹۳) در مطالعه خود به نتایج مشابه در خصوص پایین تر بودن این ابعاد از حد متوسط دست یافتند. همچنین نتایج مطالعات متعدد از جمله دانشور عامری و همکاران (۱۳۹۵)، سربرقی مقدم و همکاران (۱۳۹۵)، مطیعی لنگرودی و همکاران (۱۳۹۲)، امینی و جمینی (۱۳۹۲)، مهربخش و پوررمضان (۱۳۹۶) حاکی از تفاوت عملکرد دهیارها در ابعاد مختلف توسعه روستایی دارد. در این بین نتایج مطالعه حاضر با مطالعات سربرقی مقدم و همکاران (۱۳۹۵) و احمدوند (۱۳۹۳)، به لحاظ بدترین عملکرد دهیارها در بعد اقتصادی و همچنین مطالعه تقدیسی و همکاران (۱۳۹۰)، از نظر بهترین عملکرد در بعد زیست محیطی مطابق است. همچنین با توجه به بیشترین نقش آفرینی دهیاران در بعد محیط زیستی، با مطالعات مطیعی لنگرودی و همکاران (۱۳۹۲) و دانشور عامری و همکاران (۱۳۹۵) مطابق نیست. این در حالیست که سیاستهای کلان کشور تاکید بسیاری بر توسعه اقتصادی با تاکید بر اقتصاد مقاومتی، درونزا و اشتغالزایی دارند. نظر به اهمیت غیر قابل

انکار مناطق روستایی در تحقق اقتصاد مقاومتی، کارآفرینی و اشتغالزایی و نقش مهم مدیران روستایی در تامین زمینه‌ها و زیرساخت‌های انسانی و فیزیکی این امر در روستاهای کشور (که البته در وظایف ایشان نیز مورد تاکید می‌باشد)، "ضمن تاکید بر انتخاب آگاهانه، هدفمند، مبتنی بر دانش و توانمندی دهیاران توسط شوراهای اسلامی روستا فارغ از روابط و قوم‌گرایی"، "توانمندسازی دهیاران منتخب برای اقدام اثربخش در بعد اقتصادی به ویژه جذب و توسعه سرمایه، کارآفرینی و اشتغالزایی روستایی" پیشنهاد می‌شود.

از جمله نتایج حائز اهمیت در این مطالعه آن است که دهیاران در مقایسه با اعضای شورا، مدیران تعاونی روستایی و ساکنان روستا، امتیازی بیشتر و بالاتر از حد متوسط را برای عملکرد خویش قائل شده بودند، حال آنکه از دید سایرین این عملکرد پایین تر از حد متوسط بوده است. در همین راستا تفاوت معناداری بین نگاه اعضای شورا و دهیاران نسبت به عملکرد دهیاری وجود نداشت ولی نگاه مردم عادی ساکن روستا و مدیران تعاونی با نگاه دهیاران به عملکردشان تفاوت معناداری داشت. بر این اساس می‌توان دریافت که دهیاران ارزیابی مثبت تری نسبت به واقعیت درک و رضایت مردم از نتایج اقداماتشان دارند و لذا باید به اهمیت ارزیابی مشارکتی و کسب نظرات ذینفعان برای کسب نتایج واقعی تر و متناسب با نیاز مردم محلی پی برد. بر این مبنا پیشنهاد می‌شود که "ارزیابی عملکرد مدیران محلی روستاها با شیوه مشارکتی و مبتنی بر نگاه هر دو گروه مدیران و مردم صورت پذیرد و بازخورد نتایج حاصله در برنامه ریزی و اقدامات آتی مرتبط با دهیارها مورد توجه قرار گیرد."

با توجه به اینکه در دو روستای مرادیگلو و سومینک، از ۸ روستای مورد مطالعه (۲۵٪)، اعضای شورا اقدام به انتخاب دهیار زن نموده بودند، می‌توان به روند تحولات فرهنگی در روستاهای کشور نسبت به پذیرش جایگاه زنان در جامعه پی برد که خود یکی از اهداف توسعه پایدار و نمودی از حرکت جامعه روستایی مورد پژوهش به سمت عدالت‌گرایی جنسیتی است. میانگین عملکرد دهیاری در این دو روستا نسبت به سایر روستاها تفاوت آشکاری نشان نمی‌دهد بطوریکه روستای مرادیگلو از میانگین پایینتر و روستای سومینک از وضعیت بهتری برخوردار است که می‌تواند متاثر از سایر عوامل اثرگذار بر عملکرد دهیارها باشد که در این مطالعه هدف نبوده است. در این راستا مهربخش و پوررمضان (۱۳۹۶)، عملکرد دهیاران زن در بخش مرکزی شهرستان رشت از منظر روستاییان را بهتر از دهیاران مرد ارزیابی نموده‌اند. بر این مبنا، تداوم توسعه فرهنگی جامعه روستایی در راستای ارتقای جایگاه زنان در مدیریت محلی و مشارکت در توسعه پیشنهاد می‌شود. در همین رابطه "آموزش و توانمندسازی زنان روستایی برای ارتقا نقش آفرینی اثربخش ایشان در تصمیم‌گیریها و مدیریت جامعه" ضروری است.

همچنین علی‌رغم اینکه تفاوت معناداری بین عملکرد دهیاران در روستاهای مورد مطالعه متاثر از وضعیت سکونت دهیاران وجود نداشت، ولی با این حال میانگین عملکردی دهیاران ساکن در شهر نسبت به دهیاران ساکن در روستاهای محل مدیریت یا روستاهای پیرامون کمتر بود. این مهم در مطالعات پیشین بررسی شده، مورد توجه نبوده است. بر این اساس پیشنهاد می‌شود "انتخاب دهیاران با دقت بیشتر و با لحاظ نمودن موازین قانونی مبنی بر ضرورت انتخاب دهیار از ساکنین روستا صورت پذیرد."

همچنین تحلیل مکانی به عمل آمده در خصوص وضعیت عملکرد دهیارها در روستاهای مختلف، نشان از تفاوت معنادار بین تاثیر این نهاد داشت. بطوریکه میتوان روستاهای مورد مطالعه را به لحاظ عملکرد دهیاری در توسعه پایدار روستایی در سه دسته با تاثیر عملکردی خیلی ضعیف، ضعیف و در حال گذار به وضعیت متوسط دسته بندی نمود و در جهت پر کردن شکاف موجود تا حد مطلوب عملکردی این نهادها برنامه ریزی و اقدام کرد. نتایج مطالعات لوییک-لیندسار و همکاران (۲۰۱۸)، مکیل (۲۰۱۵)، موریس و کوچوت (۲۰۱۴)، سربرقی مقدم و همکاران (۱۳۹۵)، رضوانی و همکاران (۱۳۹۲) نیز بیانگر نابرابری عملکرد دهیارها در روستاهای مختلف بوده است. در این راستا برخی مطالعات از جمله لوییک-لیندسار و همکاران (۲۰۱۸) به بررسی عوامل موثر بر این نابرابری از جمله جمعیت، سطح تحصیلات، حقوق و درآمد و بودجه تخصیصی به دهیارها پرداخته‌اند. همچنین

مورس و کوچوت (۲۰۱۴) به مواردی چون عوامل مکانی پیشین (زیرساختها، وضعیت اقتصادی)، وضعیت مشارکت مردم در انتخابات مدیریت، مهارت مدیر، شبکه سازی و درآمد مدیریت محلی اشاره داشته اند. در این راستا انجام "مطالعاتی جامع نگر برای شناخت عوامل موثر بر عملکرد دهیارها در مناطق مختلف و به ویژه منطقه مورد مطالعه حاضر" برای پژوهشهای آتی پیشنهاد می شود.

منابع

- احمدوند، مصطفی. ۱۳۹۳. بررسی تاثیر دهیارها بر توسعه پایدار روستایی در شهرستان بویراحمد. فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۷، شماره ۳، پاییز، ۲۳-۴۲.
- امینی، عباس و جمینی، داوود. ۱۳۹۳. تحلیلی بر ارزیابی جامعه روستایی از عملکرد نهاد دهیاری با استفاده از رویکرد مدل سازی معادلات ساختاری. تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۹، تابستان، شماره ۲ (پیاپی ۱۱۳)، ۱۷۷-۱۹۶.
- بدری، سید علی و رکن الدین افتخاری، عبدالرضا. ۱۳۸۲. ارزیابی پایداری: مفهوم و روش. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۹، صص ۹-۳۴.
- بدری، سید علی. ۱۳۹۰. چالشهای مدیریت روستایی در ایران و ارائه سیاستهای راهبردی. ره نامه سیاستگذاری، سال دوم، شماره سوم، بهار ۱۳۹۰، ۱۴۷-۱۷۹.
- بدری، سیدعلی، اکبریان رونیزی، سعیدرضا و محمدجواد قصابی. ۱۳۹۲. نقش مدیریت محلی در توسعه کالبدی سکونتگاه های روستایی (مطالعه موردی: شهرستان آران و بیدگل). پژوهش های روستایی، دوره ۴، شماره ۲، تابستان، ۲۴۹-۲۷۶.
- برنامه اسکان بشر ملل متحد در ایران (UN_HABITAT). ۱۳۹۶. آرمانهای توسعه پایدار. قابل دسترس در: http://unhabitat.org.ir/?page_id=1375 (تاریخ دریافت: ۹۶/۹/۶)
- تارنمای مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی. ۱۳۹۶. اساسنامه، تشکیلات و سازمان دهیاری ها. قابل دسترس در: <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/121720> (تاریخ دریافت: ۹۶/۹/۱)
- پایگاه اطلاع رسانی استانداری قزوین. ۱۳۹۶. شناسنامه بخش رامند سال ۱۳۹۰. قابل دسترس در: <http://ostan-qz.ir/content/planning/logistics/section-identity/15033> (تاریخ دریافت: ۹۶/۹/۳)
- پوررمضان، عیسی، علیتقی پور، مریم و ابراهیم توفیق جو. ۱۳۹۵. ارزیابی عملکرد دهیاریها از دیدگاه روستاییان با بهره گیری از مدل کانو (مطالعه موردی: روستای سیاه اسطخ شهرستان - رشت). پژوهش و برنامه ریزی روستایی، سال ۵، شماره ۲، تابستان، شماره پیاپی ۱، ۱۳۱-۱۴۶.
- تقدیسی، احمد، سوری، فرشاد، صیدایی، سیداسکندر و کاظمی، زینب. ۱۳۹۰. بررسی و تحلیل میزان عملکرد دهیاران در مدیریت روستایی؛ مورد پژوهش: بخش کونانی شهرستان کوهدشت. مدیریت شهری، پاییز و زمستان، دوره ۹، شماره ۲۸، ۱۵۷-۱۷۴.
- دانشور عامری، ژیلا، شعبانعلی فمی، حسین و محمد شوکتی آmqانی. ۱۳۹۵. تحلیل رضایتمندی روستاییان از عملکرد دهیاران در مدیریت نوین روستایی شهرستان اسکو. پژوهش های جغرافیای انسانی، دوره ۸۴، شماره ۳، پاییز، ۴۹۳-۵۰۶.
- رضوانی، محمدرضا، محمدی، سمیه و صدیقه پیری. ۱۳۹۲. ارزیابی عملکرد دهیاری ها با استفاده از مدل چارچوب عمومی ارزیابی (CAF) (مطالعه ی موردی: شهرستان دهران). پژوهش های جغرافیای انسانی، دوره ی ۴۵، شماره ی ۱، بهار، ۱۹۹-۲۱۶.
- رکن الدین افتخاری، عبدالرضا، سجاسی قیداری، حمدا... و جمشید عینالی. ۱۳۸۶. نگرشی نو به مدیریت روستایی با تاکید بر نهادهای تاثیر گذار. روستا و توسعه، سال ۱۰، شماره ۲، تابستان، ۱-۳۱.

- رکن الدین افتخاری، عبدالرضا. ۱۳۸۹. مدیریت توسعه روستایی (بنیادهای نظری). تهران: سمت. ۲۶۳ص.
- رشوند، علی اکبر. ۱۳۹۰. مقدمه ای بر سیر تقسیمات کشوری استان قزوین -بخش رامند. تهران: انتشارات هدی. ۱۴۳ص.
- سربرقی مقدم، تکتم، بوزرجمهری، خدیجه و قاسمی، مریم. ۱۳۹۵. ارزیابی عملکرد دهیاران در فرایند توسعه پایدار روستایی از دیدگاه روستائیان (مورد مطالعه: بخش طرقله شهرستان بینالود). دوره ۶، شماره ۱۹، بهار، ۱۱۹-۱۳۶.
- طالب، مهدی. ۱۳۷۶. مدیریت روستایی در ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. ۱۴۶ص.
- فیروز آبادی، سید احمد و حسین ایمانی جاجرمی. ۱۳۹۱. وضعیت رضایت روستائیان و عوامل مرتبط با آن از عملکرد دهیاری‌ها (مطالعه موردی: روستاهای استان قزوین). پژوهش‌های روستایی، سال سوم، شماره یکم، بهار، ۶۱-۹۱.
- فیروز نیا، قدیر و عبدالرضا رکن الدین افتخاری. ۱۳۸۹. جایگاه روستا در فرایند توسعه ملی از دیدگاه صاحب‌نظران. تهران: انتشارات موسسه توسعه روستایی ایران. ۳۰۴ص. مرکز آمار ایران. سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰، شناسنامه آبادیهای کشور. قابل دسترس در: <https://www.amar.org.ir>
- مطیعی لنگرودی، سیدحسن و ابراهیم شمسایی. ۱۳۸۸. توسعه و کشاورزی پایدار (از دیدگاه اقتصاد روستایی). تهران: انتشارات دانشگاه تهران. ۲۲۴ص.
- مطیعی لنگرودی، سید حسن، سوری، فرشاد و مهدی چراغی. ۱۳۹۲. ارزیابی عملکرد دهیاران در فرایند توسعه روستایی با تاکید بر گروههای هدف کشاورزی. برنامه ریزی فضایی (جغرافیا)، سال سوم، شماره دوم، پیاپی ۹، تابستان، ۱۹-۳۶.
- مهربخش، زهرا و پوررمضان، عیسی. ۱۳۹۶. عملکرد دهیاران زن در فرآیند توسعه روستایی، مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان رشت. نشریه جغرافیا، زمستان، شماره ۵۵، ۲۰۵-۲۱۸.
- Chirenje, Leonard I., Giliba, Richard A. and Emmanuel B. Musamba. 2013. Local communities' participation in decision-making processes through planning and budgeting in African countries. *Chinese Journal of Population Resources and Environment*, Vol. 11, No. 1, 10-16, doi.org/10.1080/10042857.2013.777198
- Drakakis-Smith, David. 1995. Third World Cities: Sustainable Urban Development, 1. *Urban Studies*, Vol. 32, Nos 4 ± 5, 1995 659-677. doi/abs/10.1080/00420989550012825
- Douglas, David J.A. 2005. The Restructuring of Local Government in Rural Regions: A Rural Development Perspective. *Journal of Rural Studies*, 21 (2005) 231-246. doi:10.1016/j.jrurstud.2005.01.003
- Holden, Erling, Linnerud, Kristin, and David Banister. 2017. The Imperatives of Sustainable Development. *Sustainable Development*, 25, 213-226. doi: 10.1002/sd.1647.
- Koopmans, Marlinde E., Rogge, Elke, Mettepenning, Evy and Karlheinz Knickel. 2017. The Role of Multi-Actor Governance in Aligning Farm Modernization and Sustainable Rural Development. *Journal of Rural Studies*, XXX, 1-11. doi.org/10.1016/j.jrurstud.2017.03.012
- Luik-Lindsaar, Helis, Põldaru, Reet, Põder, Anne and Roots, Jüri. 2018. Performance evaluation of rural areas: the case of Estonian rural municipalities before the administrative reform. *Agronomy Research* 16(3), 806 820. <https://doi.org/10.15159/AR.18.125>
- Makale, Thandi. 2015. Service Delivery in South African Rural Municipalities. Thesis in Urban and Regional Science in the Faculty of Arts and Social Sciences at Stellenbosch University. Available at: <https://www.google.com/search?q=Service+Delivery+in+South+African+Rural+Municipalities&ie=utf-8&oe=utf-8&client=firefox-b-e>. Date accessed: 20 Sep. 2019.
- Meurs, Mieke and Kochut, Renata. 2014. Local government performance in rural Poland: The roles of local government characteristics and inherited conditions. *Landbauforschung volkenrode*. 64, 163-177. 10.3220/LBF_2014_163-178
- Michels, Ank and Laurens De Graaf. 2010. Examining Citizen Participation: Local Participatory Policy Making and Democracy, *Local Government Studies*, 36: 4,477-491. doi:10.1080/03003930.2010.494101

Wenchang, Wang. 2008. Rural management - the way out for Tibetan rural areas. Journal of the Washington Institute of China Studies 3 (3): 75. Available at: <https://www.bpastudies.org/bpastudies/article/view/70/148>. Date accessed: 23 Nov. 2017.

Yang, Yunjeong. 2016. Community Participation for Sustainable Rural Development: Revisiting South Korean Rural Modernization of the 1970s. Community Development Journal, Published: 11 July 2016, doi:10.1093/cdj/bsw023

UNESCO. 2017. Teaching and Learning for a Sustainable Future a multimedia teacher education programme: Reorienting education for a sustainable future. Available at: http://www.unesco.org/education/tlsf/mods/theme_a/mod04.html Date accessed: 24 Nov. 2017.

Weitz-Shapiro, Rebecca. 2008. The Local Connection: Local Government Performance and Satisfaction with Democracy in Argentina. Comparative Political Studies, Vol. 41, No. 3, March, 285-308. doi: 10.1177/0010414006297174